

# نگاهی به حوادث ۲۲ بهمن ۱۳۸۸

یکشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۸۸ - ۱۴ فوریه ۲۰۱۰

## م. نکوکار

حرکت با شکوه مردم در ۲۲ بهمن یک بار دیگر نشان داد که عزم مردم ایران برای رسیدن به آزادی، دموکراسی و حکومتی شایسته این مردم فرهیخته است تا چه حد راسخ است. مردم ما نشان دادند که برای رسیدن به این اهداف چگونه با شجاعت و هشیاری کامل، با استفاده از حد اقل امکانات ارتباطی و در غیاب هماهنگی و رهبری متمرکز، حرکات خود را ادامه می‌دهند.

در این روز جمهوری اسلامی در کمال ناباوری دریافت که تاثیر تمام تهدیدها، جنایتها و دستگیری‌های گسترده، تنها و تنها موجب جزم تر شدن عزم مردم در جهت رسیدن به خواسته‌هایشان شده تا جایی که در نهایت وقاحت و با دستپاچگی کامل بلافاصله تمام امکانات خودشان را بسیج کردند که این برآمد گسترده را به نام خود ثبت کند.

ایرانیان با این حرکت خود بار دیگر نشان دادند که در راه رسیدن به آزادی هیچگونه خط کشی بین گروه‌ها، ملیتها و تفکرهای مختلف را قبول ندارند و بار دیگر تاکید کردند که اساسی‌ترین عامل وحدت عمل در این برهه از مبارزات، مبارزه با دشمن واحدی به نام ولایت فقیه است.

حوادث این روز در داخل و خارج از کشور گذشته از آنچه که گفته شد دارای جنبه‌هایی هم بود که از نظر نگارنده جای تفکر و حتی نگرانی برای نیروهای آزادیخواه و مترقی باز میگذارد.

آنچه که در داخل کشور جلب توجه میکرد پراکندگی بیشتر نیروها در مقایسه با حرکات گذشته بود که البته با توجه به لشکر کشی گسترده و فضای شدیداً نظامی پایتخت از یک طرف و ضعف سازماندهی و سیاست احتراز از خشونت در جنبش سبز از طرف دیگر قابل پیش بینی بود. و قطعاً جمهوری اسلامی در آینده در روزها و مناسبت‌هایی که ممکن است از طرف مردم برای اعتراض مورد استفاده قرار گیرد از این تجربه استفاده خواهد کرد. این پراکندگی و عدم هماهنگی در دراز مدت میتواند موجب فرسایش و خستگی نیروها گردد، فراموش نکنیم که علیرغم اینکه احتمالاً بخشی از نیروهای انتظامی نیز دچار خستگی و فرسایش شده اند جمهوری اسلامی هنوز با تکیه به دلارهای نفتی امکان بسیج نیروهای سرکوبگر را دارد.

به همین دلیل پاسخ گویی به این سوال که آیا سیاست استفاده از مناسبت‌های حکومتی برای نشان دادن اعتراضات و نارضاایتی‌ها در دراز مدت کارایی خواهد داشت و یا جنبش برای ادامه حیات نیاز به هماهنگی جدید، ابتکارات بهتر و رهبری منسجم تر دارد، ضرورتی حیاتی دارد.

در خارج از کشور نیز علیرغم آمادگی گسترده ایرانیان برای انجام حرکات اعتراضی متاسفانه باز به دلیل عدم هماهنگی، حرکت پراکنده و ناهماهنگ بود و دیدیم که در پاره‌ای از شهرها به دلیل همین عدم هماهنگی حرکاتی نسنجیده از جمله درگیری با پلیس صورت گرفت که از منظر افکار عمومی مردم چندان قابل قبول نبود و اساساً با روح جنبش مردمی ایران منافات دارد. تکرار چنین حرکاتی جز اینکه چهره جنبش ضد خشونت مردم ما را در خارج از کشور خدشه دار کند تاثیر دیگری نخواهد داشت که این در نهایت همان چیزی است که حکومت ولایت فقیه در صحنه بین‌المللی به دنبال آن است.

مجموعه این شرایط و این واقعیت که مردم ما امروز با یکی از خشن‌ترین دیکتاتوری تاریخ معاصر ایران دست به گریبان است که برای تداوم بخشیدن به حکومت از هیچ جنایتی رویگردان نیست، یک بار دیگر ضرورت ایجاد یک جبهه متحد از تمام نیروها، احزاب و گروه‌های سیاسی برای نجات ایران بر حول سه محور استراتژیک حذف حکومت دینی، ایجاد مجلس مؤسسان، و تصویب قانون اساسی مبنی بر مفاد حقوق بشر و معیارهای رایج دموکراسی برای تضمین برگزاری انتخابات آزاد.

وظیفه اساسی این جبهه تلاش در جهت تداوم بخشیدن به حرکات مردمی در داخل کشور با طرح شعارهای مرحله‌ای مبتنی بر تحلیل واقع بینانه از هر مرحله مبارزاتی. اهمیت این امر آنجا بیشتر آشکار میشود اگر قبول کنیم که به هر دلیلی آنانی که به عنوان رهبران جنبش شناخته میشوند امکان پاسخگویی به خواسته‌های جنبش و همراهی با حرکت مردمی را در دراز مدت نخواهند داشت.

از جانب دیگر در صحنه بین‌المللی وجود یک جریان همه گیر و سراسری که میتواند خود را نماینده همه طیف‌های درگیر در مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی بنامد با حرکات هماهنگ و سازمان یافته در حالیکه توجه مثبت افکار عمومی جهانیان را جلب کند، در خنثی کردن توطئه‌های جمهوری اسلامی در ایجاد و تقویت گروه‌های شبهه‌آپوزسیون که تنها هدف آنها خارج کردن جمهوری اسلامی از زیر ضرب است.

با توجه به عدم کارایی تمهیداتی که جامعه بین‌المللی در جهت مهار بلند پروازی‌های ج.ا. و جلوگیری از سرکوب و کشتار انجام داده است، محور حرکت جبهه در سطح بین‌المللی به عنوان سخنگوی بخش عمده جنبش به عقیده من میتواند طرح پیشنهادی مانند طرح نفت در مقابل غذا

باشد که هرچند ممکن است که افزایش فشار موجود بر مردم را که در سایه سیاست‌های نا بخردانه دولت کودتا در هر صورت به و وقوع خواهد پیوست مقداری تسریع کند ولی قطعاً با وارد کردن ضربه به پاشنه آشیل حاکمیت و محدود کردن امکانات آن در پرداخت هزینه‌های کلان نیروهای سرکوبگر میتوان امیدوار بود که در مدتی نه چندان طولانی ج.ا را به زانو در آورد. چنین حرکتی حتی اگر به نتیجه نرسد میتواند دلگرمی زیادی برای مردمی باشد که در کف خیابانهای میهن با سرکوبگران دست به گریبان هستند

در نهایت یک بار دیگر میخواهم یادآوری کنم اگر جنبش در اثر بی برنامگی یا ضعف رهبری در این جنگ فرسایشی دچار فرسودگی و شکست شود عواقب این شکست میتواند فاجعه بار باشد. و ما نیز با بی عملی و کم کاری خود در شکل گیری فاجعه نقش داشتیم.